

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تدبر در قرآن

سوره مبارکه حاقه

استاد ضرابی، خرداد ۱۴۰۱

جلسه اول ۱۴۰۱/۳/۹

آیه شریفه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» - به نام خداوند رحمتگر مهربان - قسمت اول»

عنوان: حادثه هولناک قیامت، دشوارتر از عذاب قبر!

درباره کریمه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هر کس (به جهت امر مهمی که او را محزون ساخته، اگر) با اخلاص برای خدا «بسم الله الرحمن الرحيم» بگوید و با قلبش به سوی او رو کند، یکی از این دو برای او خواهد بود: یا در دنیا به حاجتش می‌رسد و یا حاجتش نزد پروردگار بوده و برای او ذخیره می‌شود و آن برای مؤمنان ماندگارتر است. مَنْ حَزَنَهُ أَمْرٌ تَعَاطَاهُ فَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَهُوَ مُخْلِصٌ لِلَّهِ يُقْبَلُ بِقَلْبِهِ إِلَيْهِ لَمْ يَنْفَكْ مِنْ إِحْدَى اثْنَتَيْنِ إِمَّا بُلُوغَ حَاجَتِهِ فِي الدُّنْيَا وَ إِمَّا يُعَدُّ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ يُدْخَرُ لَدَيْهِ - وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى لِلْمُؤْمِنِينَ». (التوحيد صدوق ص ۲۳۲) و می‌دانیم با قلب رو به خدا آوردن به معنای این است که فقط رضای حق تعالی مقصود نظرت باشد و به جز او، مطلوبی در دل نگیری و به هیچ اجری در دو عالم چشم ندوزی، و اینچنین نخواهد شد مگر آنگاه که محب و واله و شیدا در دریای عظمت او غرقه گردی.

نیست بر لوح دلم جز آلف قامت یار چه کنم حرف دگر، یاد نداد استادم وقتی بنده از همه خواهش‌های نفسانی خود دست برداشته، و با پشت پا زدن به هوا و هوس‌هایش، اوقات خود را صرف مناجات و تفکر در افعال و صفات ربّ العالمین می‌کند، امید آن است که انوار جلال و عظمت محبوب ازلی بر ساحت دل او پرتو افکند و حقیقت معرفت و اخلاص در دلش جای گیرد. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است: «إِنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً، وَ مَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِخْلَاصِ حَتَّى لَا يُحِبَّ أَنْ يُحْمَدَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ عَمَلٍ لِلَّهِ - هَرَّ حَقَّى رَا

حقیقتی است و بنده به حقیقت اخلاص نرسد، مگر آن گاه که دوست نداشته باشد در برابر کاری که برای خدا می کند، تمجید و ستایش شود» (بحار الأنوار : ۵۱/۳۰۴/۷۲)

از امام صادق علیه السلام روایت است: «انسان بنده خالص نمی شود، مگر اینکه تعریف و تمجید و تکذیب او از طرف مردم در نظرش یکسان باشد. چون می داند که تعریف و تکذیب آنها واقعیت را تغییر نمی دهد. پس ای بنده خدا به تعریف و تمجید کسی خوشحال نشو، زیرا مقام انسان را در نزد خدا بالا نمی برد و از آنچه برایش مقدر گردیده بی نیازش نمی سازد.» (مصباح الشریعه، ۲۶۴)

گدای کوی تو از هشت خلد مستغنی است اسیر قید تو از هر دو عالم آزاد است
با تلاشی در حدّ و توان خود برای خالص نمودن نیت و مقصود ، کلمه طیبیه « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ » را از اعماق دل بر زبان جاری می کنیم و وارد بررسی اجمالی سوره می شویم؛ اولین آیه شریفه این سوره که همه محتوای سوره را در خود دارد «الْحَاقَّةُ» و دو آیه بعد از آن به ما می گوید که مفهوم و معنای آن را تنها باید از زبان خداوند سبحان بشنوید: «مَا الْحَاقَّةُ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ» - [روز رستاخیز] روزی که به یقین واقع می شود، آن رخ دهنده چیست ؟ و تو چه می دانی که آن رخ دهنده چیست ؟»

روز قیامت روز دیدار با خداوند است و روزی با عظمت تر از آن نیست. خدای متعال همواره مخلوقات خود را همچون آئینه ای برای ظهور اسماء و صفات خود قرار داده است (در دنیا در نازل ترین مرتبه جلوه و ظهور و در آخرت در بالاترین درجات)؛ یعنی همه چیز برای معرفت و سیر و دیدار و بازگشت بسوی اوست ؛ «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدًّا فَمُلَاقِيهِ - ای انسان حقا که تو به سوی پروردگار خود به سختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد- (انشقاق/۶) »

همانطور که می دانید مهم ترین جلوات اسماء و صفات الهی در جمال و جلال او ظاهر می شود و دنیا و آخرت هر کدام به گونه خود در حد ظرفیت و امکان خود چهره ای از مهر و قهر یا رحمت و خشم او را نشان می دهند و از آنجا که ورود به دنیا مقدمه ورود به آخرت است در این سوره مبارکه نخست به چهره دنیایی حوادث پرداخته شده و سپس به حقیقت آن در عالم آخرت اشاره دارد: اساس آفرینش بر پایه رحمت و جمال او بنا شده است و جلال او (که در حقیقت بازگشت به جمال او دارد و امری جدا از آن نیست) به یک تعبیر ناقص به

منزله سیستم دفاعی و حافظ این جمال است؛ به این ترتیب در آفرینش هم،(در ورای چهره‌ها و نام‌ها و خصوصیات ظاهری) حقیقت و ذات و جوهره موجودات را، صفات و اعمال آنها می‌سازد،

جلوه ای کرد از یمین و از یسار دوزخی در جنتی کرد آشکار
جنتی خاطر نواز و دلفروز دوزخی دشمن گداز و غیر سوز
بسیار مهم است که هر یک از ما بدانیم در ورای این خصوصیات ظاهری، جوهره و حقیقتی که برای خود ساخته‌ایم آیا صبغه الهی دارد یا به عنوان آفات زندگی و حیات، شایسته آن است که طعمه آتش جهنم باشد؟ آیا ما هم مبتلا به صفاتی مانند کبر و حسد هستیم که شیطان را از مقام بندگی و عبودیت به زیر افکند؟

بهشت و دوزخت با تست در پوست چرا بیرون زخود میجویی ای دوست
نادیده گرفتن مظاهر اسماء و صفات جلال خداوند و به حساب نیاوردن و انکار آنها، سرنوشت اقوامی را رقم زده است که قرآن آن را برای عبرت دیگران به وفور بازگو می‌کند: «كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَ عَادٌ بِالْقَارِعَةِ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ وَ أَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ - قوم «ثمود» و «عاد» عذاب کوبنده الهی را انکار کردند. اَمَّا قَوْمُ «ثمود» با عذابی سرکش هلاک شدند. و قوم «عاد» با تندبادی طغیانگر و سرد و پرصدا به هلاکت رسیدند.» و همچنین درباره فرعون و کسانی که پیش از او بودند و اهل شهرهای زیر و رو شده [قوم لوط] که مرتکب گناهان بزرگ شدند. «وَ جَاءَ فِرْعَوْنُ وَ مَن قَبْلَهُ وَ الْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ» باید توجه داشت نوع عذاب هر قومی با گناهان آنها تناسب دارد (در بحث تفصیلی این سوره ان شاءالله به آن خواهیم پرداخت.)

وی که در شدت فقری و پریشان حالی صبر کن کین دوسه روزی به سر آید معدود
این همان چشمه خورشید جهان افروز است که همی تافت بر آرامگه عاد و ثمود
خاک مصر طرب انگیز نبینی که همان خاک مصر است و لی بر سر فرعون و جنود
آیات بعد می‌خواهد ما را موفق به درک بالاتری از این عذاب‌ها کند که همان چهره اخروی این عذاب‌های دنیوی است؛ «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ* وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَ الْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً* فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ - به محض اینکه نخستین بار در «صور» دمیده شود، و زمین و کوه‌ها از جا برداشته شوند و یک‌باره در هم کوبیده و متلاشی گردند. در آن روز واقعه [عظیم قیامت] روی می‌دهد.» و «وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ - و آسمان از هم می‌شکافد و آنگاه سست[از هم گسسته] می‌گردد.

آنچه از آیات و اخبار در این زمینه استفاده می‌شود این است که سخت‌تر و عظیم‌تر از « وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً »، شکافته شدن آسمانها در آیه « وَ انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ » می‌باشد؛ زیرا شکافته شدن زمین و آسمان آیت تغییراتی است که در جسم و روح انسان رخ می‌دهد. تنها این جسم نیست که بند از بندش باز شده، ذرات و عناصر آن از هم جدا می‌شود، در جهان روح و روان انسان که تألیف یافته از عقاید حق و باطل و دلبستگی‌های درست و نادرست و صفات خوب و بد و تیرگی‌ها و روشنایی‌هایی از هر نوع و شکلی است، باید تجزیه و جداسازی صورت پذیرد و آنچه متعلق به عالم پاکی‌ها و ناپاکی‌هاست به جایگاه خود بازگردد؛ این آیات از ما می‌خواهد تأمل و تفکر بیش‌تری در حادثه‌ای که عنقریب در روح و روان ما اتفاق می‌افتد داشته باشیم و ببینیم و بفهمیم تا چه اندازه سخت‌تر از پاره پاره شدن گوشت و خورد شدن استخوان بدن خواهد بود!!! امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ بَعْدَ الْبَعْثِ مَا هُوَ أَشَدُّ مِنَ الْقَبْرِ يَوْمَ يَشِيبُ فِيهِ الصَّغِيرُ وَ يَسْكُرُ فِيهِ الْكَبِيرُ وَ يَسْقُطُ فِيهِ الْجَنِينُ ...- بندگان خدا! همانا پس از برانگیخته شدن از قبر با چیزی روبرو هستید که از [عذاب] قبر دشوارتر است، و آن روزی است که خردسال در آن روز پیرشود و بزرگسال به مستی و بیهوشی درآید، و جنینها سقط می‌شوند...، همانا ترس آن روز فرشتگانی را که گناهی ندارند به هراس اندازد، و آسمان‌های هفتگانه و کوه‌های استوار و زمین‌هایی که محل آرامشند، از بیم آن به لرزه افتند، و آسمان از هم می‌شکافد و آنگاه سست می‌گردد [و فرو می‌ریزد].» (بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۰۳)

تا مرحله جداسازی کامل خوبی‌ها از بدی‌ها و اهالی بهشت و عالم قدس از اهالی و ساکنان جهنم عذاب، برزخی باید طی شود که کم و کیف آن برای هر فردی متناسب با آورده‌های او از عالم دنیاست. بر فراز بهشت، عرش الهی قرار دارد که فرشتگان در اطراف آن قرار می‌گیرند [و برای انجام مأموریت‌ها آماده می‌شوند] و آن روز عرش [قدرت] پروردگارت را هشت فرشته بر فراز همه‌ی آن‌ها حمل می‌کنند. «وَأَلْمَلِكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَ يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ» امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «خداوند تبارک و تعالی، عرش را از چهار نور آفرید، نوری سرخ که سرخی از آن پیدا شده و نوری سبز که سبزی از آن سبز گشته و نوری زرد که زردی از آن گرفته شده و نوری سفید که سفیدی از آن سفید گشته است، و منظور علمی است که خداوند آن را بر حاملان حمل کرده است و آن نوری از عظمت خود

است، پس به واسطه‌ی عظمت و نور او، دل‌های مؤمنان سفید گردیده و به واسطه‌ی عظمت و نور اوست که جاهلان، با او دشمنی می‌کنند و به عظمت و نور اوست که؛ همه‌ی مخلوقات آسمان و زمین، با اعمال مختلف و راه‌های گوناگون به دنبال وسیله، برای نزدیکی به او، می‌گردند و هر محمولی را خداوند نور و عظمت و قدرتش را بر او حمل می‌کند، و قدرت سود و زیان و مرگ و زندگی و حشر را برای خود ندارد، پس هر چیزی محمول است و خدای عزوجل، نگهدار و محیط به زمین و آسمان و هر چیزی که در آن دو است، می‌باشد و او حیات همه‌ی اشیاء و نور همه‌ی آن‌ها است، منزّه و بزرگتر است از آنچه، ستمکاران می‌گویند». (الکافی، ج ۱، ص ۱۲۹) در روز قیامت ذره‌ای از وجود انسان مخفی باقی نمی‌ماند؛ «يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ» طبیعی است اجزای روح در مقابل اجزای بدن، مشتمل بر کتابی معنوی خواهد بود که اجزای سازنده روح را نشان دهد، بنابراین در آیه بعد می‌خوانیم: «فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُوا كِتَابِيَهٗ - أَمَّا كَسَى نَامَهُی اَعْمَالِش رَا بَه دَسْت رَا سَتَش دَهَنَد [از شدت شادی] فَرِیَاد مِی زَنَد کِه؛ [ای اهل محشر!] «نامه‌ی اعمال مرا بگیرید و بخوانید!» پس در «فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ» قرار می‌گیرند که به آنها گفته می‌شود: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا اَسْلَفْتُمْ فِي الْاَيَّامِ الْخَالِيَةِ - بخورید و بیاشامید گوارا باد بر شما، این‌ها در برابر اعمالی است که در ایام گذشته انجام دادید!»

اینها در مقابل کسانی هستند که شالوده روح خود را با پلیدیها پر کرده‌اند؛ اما کسی که نامه اعمالش را به دست چپش بدهند می‌گوید: «ای کاش هرگز نامه‌ی اعمالم را به من نمی‌دادند.» وَ أَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ «کسانی که همه چیز در روح و روان آنها تعلق به جهنم دارد و باید به آنجا برده شوند» خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ...» مگر در روح و روان آنها چه بوده که اینچنین سیاه بخت شده‌اند «إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا يَحْضُرُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ... وَ إِنَّهُ لَتَذْكُرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ... وَ إِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ - چرا که او [با دیدن دلایل روشن] هرگز به خداوند بزرگ ایمان نمی‌آورد و هرگز بر اطعام مستمندان تشویق نمی‌نمود. از این‌رو امروز هم در اینجا دوست مهربانی ندارد و نه طعام و شرابی جز چرک و خون... و براستی آنچه ذکر شد تذکری برای پرهیزگاران و مایه‌ی حسرت کافران است.»

زبان حال کافران را در آیات سوره مبارکه زمر به خاطر آوریم که می‌فرماید: «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ

السَّاحِرِينَ أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ...» پروردگار مهربان می‌فرماید: «(این دستورها به خاطر آن است که) مبادا کسی روز قیامت بگوید افسوس بر من از کوتاهی‌هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم و (آیات او را) به سخریه گرفتم! و مبادا بگوید: اگر خداوند مرا هدایت می‌کرد از پرهیزگاران بودم یا هنگامی که عذاب را می‌بیند بگوید: آیا می‌شود بار دیگر (به دنیا) بازگردم تا از نیکوکاران باشم؟! آری آیات من به سراغ تو آمد اما آن را تکذیب کردی و تکبر ورزیدی و از کافران بودی.» (زمر/ آیه ۵۶ - ۵۹)

وصلی الله علی محمد وآله